

نخستین روزنامه های افغانستان

نخستین آثار چاپی

نخستین نمونه چاپی که به دستور حکومت افغانستان تهیه شده تمبری ست پستی که در زمان دوست محمد خان پدر امیرشیر علی خان به چاپ رسید و در واقع نقش مهرگونه ای بود.^۱

در مورد چاپخانه می دانیم که نخستین چاپخانه افغانستان در عصر امیرشیرعلی خان در کابل ایجاد شده و نام آن «مصطفاوی» بوده است. اولین محصول این چاپخانه رساله شهاب ثاقب حجة قویه در ابطال عقاید وهابیه بود که به سال ۱۲۸۸ * (۱۸۷۵ م.) به اهتمام میرزا محمد صادق چاپ شد. آخرین کتاب چاپی در چاپخانه مصطفاوی تحفة الامه اثر عبدالقادر خان است.^۲ کتاب بعدی که در مطبعة شمس النهار به چاپ رسید، کتاب وعظ نامه نام داشت و ترجمه ای از روزنامه تایمز چاپ لندن درباره وقایع جنگ عثمانی و روس بود و این به سال ۱۲۹۴ یعنی چهار سال پس از آغاز انتشار شمس النهار نخستین روزنامه چاپ افغانستان بوده است.

از ۱۳۰۳ به بعد، چند کتاب منسوب به امیر عبدالرحمن خان فرمانروای افغانستان انتشار یافت. شاید این یکی از دو چاپخانه مصطفاوی و یا شمس النهار باشد که در آن سال با نام بطبع همایون آغاز به فعالیت کرد. در این چاپخانه تقویم قویم اثر آقا میرادریس و کلمات امیرالبلاد فی ترغیب الجهاد اثر امیر عبدالرحمن خان در ۱۳۰۳ و رساله قواعد سراج الملّه و

* سالها همه به هجری قمری ست، مگر در مواردی که به آن اشاره گردیده است.

قانون کار گذاری - هر دو منسوب به امیر عبدالرحمن - به سال ۱۳۰۹ به چاپ رسیدند. لازم به یاد آوری است که بعدها، حتی خود افغانستانیان، برپایی آن چاپخانه ها را از یاد بردند. چنان که محمود طرزی در روزنامه معروف خود سراج الاخبار نوشت که به همت امیر حبیب الله خان اولین چاپخانه های افغانستان برپا شده اند و پیش از آن «در وطن عزیز ما افغانستان از مطبوعه و مطبوعات هیچ اثری نبود».^۲

انتشار نخستین روزنامه افغانستان شمس النهار

برخی از منابع، از روزنامه یا مجله ای یاد کرده اند که به نام کابل پیش از انتشار شمس النهار^۴ یا هم زمان با آن^۵ در عصر امیر شیرعلی خان و شاید زیر نظر سید جمال الدین افغانی^۶ منتشر شده است. این نظر، پس از انتشار پژوهشهای علمی محمد کاظم آهنگ دانشمند افغانستانی به کلی رد شد و اینک همگان پذیرفته اند که نخستین روزنامه این کشور شمس النهار بوده است. محمد کاظم آهنگ چنین نتیجه گرفته است که چون شماره های دهم و یازدهم سال اول شمس النهار با نام شمس النهار کابل انتشار یافته، این توهم پیش آمده است. وی احتمال می دهد که مردم به جای شمس النهار، از این روزنامه با عنوان «اخبار کابل» و یا «جریده کابل» یاد می کرده اند. و بعدها، برخی نامگذاری عامیانه را دلیل بر وجود نشریه ای به نام «کابل» انگاشته اند.^۷

از سوی دیگر، به مانند کاغذ اخبار نخستین روزنامه فارسی چاپ ایران، انتشار شمس النهار نیز از خاطره نسل بعدی محو شده بود و سراج الاخبار افغانستان که بیست و هشت سال بعد انتشار یافت و همچنین سراج الاخبار منتشر شده در ۱۲۹۰ خورشیدی، به ظاهر از آن بی اطلاع بوده اند و خود را نخستین روزنامه چاپ افغانستان معرفی کرده اند.^۸ بسیاری از منابع فارسی و انگلیسی و فرانسوی نیز به نادرست سراج الاخبار را نخستین روزنامه آن کشور نوشته اند.^۹

تاریخچه شمس النهار

تاکنون شماره نخست شمس النهار یافت نشده است ولی با توجه به آن که شماره پنجم آن در ۲۵ رمضان، شماره هشتم در ۲۲ شوال،^{۱۰} شماره دهم در پانزدهم ذیحجه ۱۲۹۰^{۱۱} و شماره های شانزده و هفده به ترتیب در دهم صفر ۱۲۹۱ و ششم ربیع الاول همان سال منتشر شده اند،^{۱۲} پیداست که روزنامه نامرتب انتشار می یافته ولی ابتدا سعی در انتشار هفتگی و از شماره نهم یا دهم سعی در انتشار ماهانه اش کرده اند. اگر این استنتاج صحیح باشد، باید چاپ نخستین شماره شمس النهار را در هفته آخر شعبان ۱۲۹۰ (هفته سوم اکتبر ۱۸۷۳ م.)



ای نام تو احوست دل و جان
کاری که بر تو کل آن کردم است



یارب بغض خویش ما شنیدنت
بر سبزه که از زمین بر آید
بر وحدت تو زبان شاید

نیز مطبوعه یوم پیشینه یازدهم شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۲۸

نقشه اشتهار واجب الاظهار شمس النهار

شرح قیمت اخبار در صورت عدم ادای پیشگی شش ماه پیشگی

سالانه سه روپیه چهره ای سالانه و سه روپیه چهره ای سه روپیه چهره ای

قیمت اخبار متفرق در اخبار ده آن

بر کسی که سوا می دادن در قیمت اخبار بنام خود اخبار بنده سازد تا زمانی که در قیمت اخبار

او نماند قیمت اخبار بر دماغش محسوب شده است وقت حساب از او گرفته خواهد شد

و تفصیل قیمت اخبار که در نقشه مندرج است امرای کامکار و رؤسای نامدار و نوآبان

واجب گان و دالیان بلکه از این حساب استثنی هستند او شان هر چه از روی فیاضی و

رسائی موافق شان و شوکت و ناموری خود عطا و مرحمت فرمایند زیاده شایان است

= هفته چهارم مهر ماه ۱۲۵۲ خورشیدی) یا اندکی بیشتر دانست. اما تصمیم به انتشار این روزنامه را دست کم یک سال پیشتر گرفته بوده اند و شاید همان شماره های نخست با شماره های بعدی فاصله زمانی طولانی بوده است. زیرا روزنامه فارس چاپ شیراز خبر انتشار آینده آن را در رجب ۱۲۸۹ بدین صورت چاپ کرده است: «کابل - در کابل روزنامه مخصوص مقرر شده است که به طبع برسد به اسم شمس النهار. عن قریب این روزنامه را به دارالطباعة ما خواهند آورد.»^{۱۳}

پایان انتشار این روزنامه نیز روشن نیست. منابع افغانی تعطیل شمس النهار را در سال ۱۲۹۵ بر اثر حمله انگلیسیان به کابل دانسته اند و این سخن را با یافتن شماره هایی مربوط به آن سال باید مسجل کرد. زیرا تا کنون تنها از شماره های سال ۱۲۹۰ و ۱۲۹۱ اثر و نشانی به دست آمده است.

برخی مدعی اند که انتشار شمس النهار به توصیه و راهنمایی سید جمال الدین افغانی صورت گرفته است.^{۱۴} چه این اندیشه از او باشد یا از خود امیر شیرعلی خان، باید گفت زمانی این روزنامه به چاپ رسید که شمار چشمگیری روزنامه فارسی و چند زبانه در هند و ایران و ترکیه انتشار یافته بود. لیکن هنگامی که در نظر بیاوریم اولین روزنامه امارت بخارا - که یکی از مناطق مهم فارسی زبان جهان بود - سی و نه سال پس از شمس النهار به زبان پارسی زاده شد، به عظمت اقدام ترقیخواهانه امیر شیرعلی خان پی می بریم. زیرا درجه تعلیم و تربیت و نوع زندگی مردم افغانستان آن روزگار با همعصرانشان در امارت بخارا تفاوت محسوسی نداشت.

مدیر روزنامه شمس النهار شخصی به نام میرزا عبدالعلی بود که از نامش پیداست شیعی مذهب بوده است. از وی در شماره دهم شمس النهار به عنوان «مهمم» یاد شده و در صفحه دوم آن شماره چنین آمده است: «... لهذا اقل العباد میرزا عبدالعلی حسب الفرمایش احباب اخبار صدق آثار مسمی به شمس النهار را در مطبع کابل جاری نموده...» و در صفحه سوم نیز با این جمله به او اشاره رفته است: «... گرامی نامه منظوری خود را اسمی اقل العباد میرزا عبدالعلی مهمم مطبع شمس النهار کابل ارسال دارند...»، در جای دیگر: «... به وساطت اوشان به نزد میرزا عبدالعلی مهمم مطبع شمس النهار کابل برسد» و در جای دیگر: «اشتهار اخبار شمس النهار کابل به اهتمام میرزا عبدالعلی حلیه طبع پوشید». بنا بر این، میرزا عبدالعلی مدیر چاپخانه و تنها گرداننده روزنامه بود و خود او را مبتکر چاپ و انتشار روزنامه باید انگاشت زیرا روزنامه را نه به فرمان امیر یا توصیه بزرگان دیگر، بل «حسب الفرمایش احباب» به چاپ می رسانده است. بنا بر این روزنامه نگاری فارسی

افغانستان خلاف هند و ایران و بخارا بیرون از دستگاه حاکم آغاز شده است. برخی از منابع، مدیر روزنامه را شخصی به نام عبدالقادر خان پشاور یوسفزی معرفی کرده اند^{۱۵}. و دلیلی بر آن در دست نیست. ویژگیهای روزنامه - شمس النهار کابل در چهار تا شانزده (اغلب: شانزده) صفحه با چاپ سنگی و خط نستعلیق بسیار زیبا به قطع ۳۰ x ۴۵ سانتیمتر در مطبع شمس النهار واقع در بالاحصار کابل چاپ می شد و یک ستونی بود. این روزنامه فاقد تصویر و دارای معدودی اعلان دولتی است.

سرلوحه شمس النهار عبارت از تصویر دو شیر است که هر یک شمشیری در دست دارند. از این جهت، نشان نخستین روزنامه افغانستان به نشان بسیاری از روزنامه های ایرانی چاپ ایران و خارج از آن همانندی دارد. نام «شمس النهار کابل» به صورت گویی میان دو شیر قرار گرفته و گرداگرد این تصویر چهار بیت مثنوی در ستایش خدا و اشاره به روزنامه چاپ شده است:

کاری که بر توکل تو کردم ابتدا یارب به فضل خویش رسانش به انتها

*

از ذات تو کاینسات یسدا چون شمس النهار آشکارا
ای نام تسوراحت دل و جان سرما یه فرخست فراوان
هر سبزه که از زمین بر آید بر وحدت توزبان گشاید

زیر این تصویر و شعرها، تاریخ انتشار روزنامه وزیر آن، بها و میزان اشتراک به چاپ رسیده که عنوان آن «نقشه اشتهار واجب الاظهار شمس النهار» است.

اشتراک شمس النهار بیست رویه به صورت پیشکی و در غیر آن صورت بیست و پنج رویه افغانستان بود. برای تک شماره ده آنه و جهت «قیمت اخبار متفرق فی اخبار» نیز همین مبلغ مطالبه می شد.

زیر این «نقشه» شرحی بدین صورت درج شده است:

هرکس که سوای دادن زر قیمت اخبار^{۱۶} به نام خود اخبار به نام خود اخبار بند سازد تا زمانی که زر قیمت اخبار را ادا نکند قیمت اخبار بر ذمه اش محسوب شده در وقت حساب از او گرفته خواهد شد و تفصیل قیمت اخبار که در نقشه مندرج است امرای کامکار و روسای نامدار و نوابان و راجه گان [کذا] و والیان ملک از این حساب مستثنی هستند. اوشان هرچه از روی قیاض و فیض رسانی موافق شأن و شوکت و ناموری خود عطا و مرحمت فرمایند زیبا شایان است.

سرلوحه روزنامه و شرح بالا تمامی صفحه نخست شمس النهار کابل را گرفته است و

گرداگرد این صفحه نقش و نگار تزیینی زیبایی دیده می شود. متن یک اعلان چاپ شده در شمس النهار نشان می دهد که این روزنامه در برخی از نواحی هند نیز خریدارانی داشته است.

محتوای شمس النهار - روزنامه شمس النهار روزنامه ای خبری بود. بسیاری از این خبرها را از روزنامه های دیگر - به خصوص روزنامه های هندی و اردو چاپ هند مانند اخبار راجیوانه، اخبار عالم، اخبار عام لاهور، اخبار انجمن پنجاب، اخبار کوه نور، طلسم حیرت، لوح محفوظ، و همچنین سید الاخبار روزنامه فارسی زبان دکن - می گرفتند و به منابع خود در ضمن خبرها اشاره می کردند.

خبرهای داخلی از طریق شبکه اداری ولایات و شاید نمایندگان مستقل روزنامه به شمس النهار می رسید. در شماره یازدهم خبری از بدخشان در روزنامه چاپ شده که آن را خبرنگار روزنامه - که از وی با عنوان کارسپاندنت^{۱۷} یاد شده - فرستاده است. عنوان اکثر خبرها، به تقلید از روزنامه های هند که در ایران نیز کمابیش معمول بود، از واژه خبر به علاوه محل وقوع آن تشکیل می یافت. در لابلای خبرهای شمس النهار ترقیخواهی و اصلاح طلبی گرداننده یا گردانندگان روزنامه به چشم می خورد. روزنامه، درباره لزوم توجه به صنایع محلی و امنیت و مسائل رفاهی مطالبی دارد.^{۱۸}

مطالب روزنامه، به ترتیب چاپ عبارتند از مقاله های کوتاه خبری و اطلاعاتی های ضروری پس از آن خبرهای خارجی. در پایان، رویدادهای شهری و خبر شهرستانها می آمد و برخی از خبرها با بیتی شعر آغاز می شد. «مطالعات فرهنگی» در شماره دهم این روزنامه خبری زیر عنوان «طریقه شناخت نسل انسان» چاپ شده است که به عنوان نمونه نقل می شود:

از ملاحظه اخبار عام لاهور واضح گردید که در کتاب حکمت چین یک عجیب و غریب نقل شناخت نسل انسان تحریر شده است که مردم چینی قدری خون اولاد را و قدری خون پدر را در یک طرفی که در آن آب باشد می اندازند. اگر خون فرزند و پدر با هم مختلط گردید، پس می دانند که اولاد حلال است و فرزند هم از آن پدر است و اگر حیثاً خونهای هر دو با هم مختلط نگردیدند و جوش نخوردند پس اوشان یقین می کنند که این فرزند هیچ گونه رشته همراه این پدر ندارد.^{۱۹}

امیر حبیب الله خان

امیر عبدالرحمن خان فرمانروای افغانستان در ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۱۹ درگذشت و

پسرش حبیب الله خان با لقب «سراج الملة والدین» به جای او به امارت رسید.

بنیاد افغانستان بر این استوار بود که از نگاه سیاست خارجی وابسته به بریتانیا باشد و

نقش کشور حائل را میان مستعمره انگلیسی هند و مستعمره های روسیه تزاری در آسیای مرکزی - که مجموع آنها را «ترکستان روس» می خواندند - بازی کند. یکی از همسایگان افغانستان، امارت بخارا بود که در زیر حمایت روسها، وضعی شبیه افغانستان داشت. از این رو، روسها نیز با سروری انگلیس بر افغانستان، مخالفتی جدی نمی کردند.

ایران، تنها همسایه مستقل و در عین حال هم ریشه و همکیش و هم فرهنگ افغانستان، چنان با دشواریهای داخلی و بیم از آن دو همسایه استعماری دست به گریبان بود، که پس از گذشت اجباری از حقوق خود و پذیرفتن جدایی افغانستان، هیچ گونه کوشش شایسته ای برای نزدیکی با دربار امیران کابل نکرد.

امیر حبیب الله خان، نه تنها برای از هم گسیختن رشته وابستگی به انگلیس، چاره ای نیندیشید، بل، در روز نوروز ۱۳۲۳ (۱۴ محرم = ۲۱ مارس ۱۹۰۵ م.) در برابر دریافت مستمری سالانه ای به مبلغ یک صد و شصت هزار پوند از دولت بریتانیا، بر قرار و مدار پدرش مهر تأیید نهاد و تحت حمایتی رسمی انگلیس را بدین گونه پذیرفت.

حدود ۹ ماه پس از رسمیت تحت حمایتی و پس از بیست و هشت سال که از خاموشی شمس النهار کابل، نخستین روزنامه افغانستان، می گذشت؛ روزنامه ای در کابل منتشر شد ولی چنان که خواهد آمد، به ظاهر انگلیسیها از ادامه انتشار - و به احتمال بسیار، از توزیع تنها شماره اش - جلوگیری کردند و امیر نیز خواست آنان را گردن نهاد.

عبدالحمی حبیبی، تاریخ نگار افغان نوشته است که «امیر با وجود فراغ و امنیت داخلی کار مهمی را در کشور نکرد». وی، آن گاه از «آثار جزوی» امیر حبیب الله خان، یعنی گشایش چند مدرسه در پایتخت، ساختن چند باغ و کاخ و راه، آوردن دو چاپخانه و نشر سراج الاخبار افغانیه نام می برد.^{۲۰} سراج الاخبار افغانیه به سال ۱۲۹۰ خ. (۱۹۱۱ م.) چاپ شد و غیر از سراج الاخبار افغانستان است که در این جا موضوع سخن ماست.

آن دو چاپخانه نیز در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۴ وارد کابل شد؛ در زمان چاپ سراج الاخبار افغانستان، افغانستان تنها یک چاپخانه داشت که آن را امیر عبدالرحمن خان به سال ۱۲۹۸ از هند خریداری کرده بود.

سراج الاخبار افغان:

تا سال ۱۳۴۸ خ. کسی نمی دانست که ۶۳ سال پیش از آن، یعنی در پانزدهم ذی قعدة ۱۳۲۳ (۱۱ ژانویه ۱۹۰۶)، روزنامه ای با نام سراج الاخبار افغانستان در کابل انتشار یافته است. حتی تاریخ مختصر افغانستان نوشته عبدالحمی حبیبی،^{۲۱} روزنامه سراج الاخبار افغانیه را تنها روزنامه منتشر شده در عصر امیر حبیب الله خان می شناساند، حال آن که حبیبی



صفحه اول سراج الاخبار افغانستان

راوی اصلی ماجرای انتشار سراج الاخبار افغانستان و مالک تنها نسخه موجود و مدارک مربوط به این روزنامه بود و با توجه به همین نسخه و مدارک است که روزنامه به سال ۱۳۴۹ خ. در سیر ژورنالیزم در افغانستان معرفی گردید.^{۲۲}

نکته مهم آن که، در زمان همان امیر، به سال ۱۳۲۹ روزنامه سراج الاخبار افغانیه به چاپ رسید و در آن چند بار مشا به این جمله چاپ شد: «سراج الاخبار افغانیه نخستین اخباری (اخبار در شبه قاره هند و افغانستان به معنای روزنامه است) ست که در مملکت پر فیض و برکت افغانستان [...] به انتشار آغاز نهاده است.^{۲۳} و بی تردید باید از افتخاری که امیر وقت شش سال پیش از آن آفریده و روزنامه ای منتشر کرده آگاه بوده و دست کم مخالفت انگلیسی ها با انتشار سراج الاخبار افغانستان را - که حییبی مدعی آن است - پس از استقلال پر سر و صدای افغانستان در نوشته های خود آورده باشد، اما چنین نکرد.

این را هم بیفزاییم که در پنج سال نخست روزنامه سراج الاخبار افغانیه، یعنی از ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۳، مولوی عبدالرئوف خاکی که او را مدیر سراج الاخبار افغانستان معرفی کرده اند، زنده و از همان شماره اول نویسنده سراج الاخبار افغانیه بود.^{۲۴} اما هیچ گاه به دعوی محمود طرزی در این که سراج الاخبار افغانیه نخستین روزنامه افغانستان است معترض نشده و طرزی نیز چون خبر درگذشت مولوی عبدالرئوف را در روزنامه خود منتشر ساخت، به گذشته روزنامه نگاری وی اشاره ای نکرد.^{۲۵}

با توجه به آنچه گفته شد و روایتی که حییبی کرده است، اگر در وجود چنین نشریه ای تردید نکنیم^{۲۶} باید چنین انگاشت که به دستور امیر حبیب الله خان - زیر تأثیر انگلیسی ها یا جز آن - نسخه های سراج الاخبار افغانستان را پس از چاپ از میان برده اند و یکی از آن نسخه ها، به گونه ای معجزه آسا از نابودی رسته و در خانواده عبدالحی حییبی برجا مانده و او در فاصله سالهای ۱۳۴۵-۱۳۴۸ خ آن را کشف کرده و به همراه مدارک دیگر به آرشیو ملی افغانستان سپرده است.^{۲۷} به هر رو، در این که این نشریه را هرگز توزیع نکرده اند، هیچ تردیدی ندارم.

عبدالحی حییبی، در نخستین جایی که از سراج الاخبار افغانستان نام می برد، عامل تعطیل روزنامه را «شاید [...] فشار سیاسی خارجی»^{۲۸} و در جای دیگر، همین مطلب را با قید «طوری که گفتند» نوشته است.^{۲۹} اما محمد کاظم آهنگ آن را به طور قطع «در اثر مداخله بریتانیا» می داند.^{۳۰}

دست اندرکاران - سراج الاخبار افغانستان، هیأتی تحریری داشت که در مقاله آغازین، از آن به صورت انجمن سراج الاخبار یاد شده است. اما «مدیر و مؤلف» روزنامه

«مولوی عبدالرئوف مدرس مدرسه شاهی» بود. وی، «خاکی» تخلص می کرد و «از مشاهیر علمای افغانی در اوائل قرن بیستم است که در جنبش فکری عصر دست داشت»^{۳۱} مولوی عبدالرئوف در قندهار زاده شد (پنجم صفر ۱۲۶۷)، و مدتی در هند به حالت تبعید به سر برد و در حوالی سال ۱۳۰۰ به دعوت امیر عبدالرحمن به کابل رفت و به عنوان مدرس مدرسه مذهبی شاهی و «ملای حضور» (آخوند دربار) معین شد و در پانزدهم شوال ۱۳۳۳ در کابل درگذشت.^{۳۲} علاوه بر مقاله های ادبی اش در سراج الاخبار افغانیه، آثار مستقلی از او نیز به زبان فارسی در دست است.

شخصی نیز به نام حیدر علی خان «مهم اخبار و منشی» روزنامه بود و من در شگفتم که چگونه عبدالحی حبیبی این نام را در سرلوحه روزنامه دیده و آن را ذکر نکرده است، بل، مولوی محمد سرور واصف را «منشی» یعنی سردبیر روزنامه می شناساند. شاید که وی بی آن که به خود روزنامه توجه کند به سندی عنایت کرده است که هشت ماه پیش از آن، یعنی در ۲۵ صفر ۱۳۲۳ برای آغاز کار روزنامه تنظیم شده بود.^{۳۳} در آن سند، حیدر علی خان «مهمم و مترجم اخبار اردو» معرفی شده بود و پیداست که بعد تغییر نظر داده و او را سردبیر روزنامه کرده اند.

محتوای سراج الاخبار افغانستان - سراج الاخبار افغانستان، خود را «اخبار نامه حکمیه و سیاسیه و شرعیه» خوانده است. در «فهرست مضامین اخبار» تنها شماره آن، این عنوانها دیده می شود: «خطابه تمهید. موعظه حسنه سیاسیه، ملخص احوال جنگ جاپانی و روسی، حوادث مملکت روم و مصر، حوادث مملکت روس، عبرة للناظرین، حوادث مملکت انگلیس، حوادث ممالک متفرقه، حوادث داخله مملکت افغانستان».

در این روزنامه خبری - اجتماعی، حجم مطالب ترجمه شده از روزنامه های خارجی بیشتر از مطالب داخلی ست و تنها هشت صفحه از سی و شش صفحه آن به مسائل مربوط به افغانستان اختصاص دارد.

ویژگیهای اداری و فنی - سرلوحه سراج الاخبار افغانستان، بیش از نیمی از صفحه نخست آن را در بر گرفته است. در این سرلوحه، نام روزنامه به خط ثلث، در مربعی نوشته شده و بالای آن، این رباعی نقش بسته است:

این لوح مقدس به دل آگه بین	از نقطه، زبان قلم کوتاه بین
دیباچه لا اله الا الله خوان	عنوان محمد رسول الله بین

در سمت راست سرلوحه، نام مدیر و منشی و تاریخ چاپ، در سمت چپ قیمت، و در زیر نام روزنامه، شعار آن و پایین تر از همه این جمله نوشته شده است:

هر کسی از علما و دانا یان داخلهٔ مملکت افغانستان و ممالک خارجه هرگاه مصلحت ملتس یا دولتی یا مآلهٔ شرعیه را به خاطر داشته باشد و مکتوب برای مدبر ارسال دارد، مکتوب او را قبول نموده و هرگاه پسندیدیم داخل اخبار هذا نموده می شود.

سراج الاخبار افغانستان با ۳۶ صفحهٔ دو ستونی به قطع ۲۲/۵۰ x ۳۵ در مطبع دارالسلطنهٔ کابل چاپ می شد و نوع چاپش سنگی به خط نستعلیق بود. بهای تکفروشی روزنامه را یک عباسی و اشتراک سالانه اش را در کابل هشت روپیهٔ کابلی، در دیگر شهرها ده روپیه و برای خارج از افغانستان بیست و چهار روپیه اعلام داشتند.

همان گونه که گفتیم، به نوشتهٔ عبدالحی حبیبی، نسخه ای از سراج الاخبار افغانستان تا پیش از سقوط رژیم کمونیست در آرشیو ملی افغانستان موجود بوده است.

پرائزن، سویس

زیر نویس:

- ۱- محمد انور نیر، «کتاب دردورهٔ محمد زانی در افغانستان»، فرهنگ ایران زمین، ج ۲۶، ص ۳۴۶.
- ۲- G.W. Shaw, "Matba'a en Afghanistan", *Ency. de l'Islam*, V, P. 796.
- ۳- سراج الاخبار، ش ۲۱ سال سوم، پانزدهم شعبان ۱۳۳۲ ق.
- ۴- مایل هروری، معرفی روزنامه ها و جراید و مجلات افغانستان، پروان، ۱۳۴۱، ص: ج؛ فریدون پیرزاده، «مطبوعات در افغانستان»، تحقیقات روزنامه نگاری، ش؛ (مهرماه ۱۳۴۵) ص ۱۵.
- ۵- L. Bogdanov, Notes on the Afghan Periodical Press", *Islamic Culture* III (1229), P. 127.
- ۶- «معرفی روزنامه ها و جراید و مجلات»، ص: ج؛ صدرواقعی، سید جمال الدین حسینی پایه گذار نهضت‌های اسلامی، اشارات پیام، تهران ۱۳۳۵، ص ۴۴.
- ۷- محمد کاظم آهنگ، سیر ژورنالیسم در افغانستان، انجمن تاریخ و ادب افغانستان، کابل ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۳.
- ۸- «یادآوری- سراج الاخبار افغانیه نخستین اخبارست که در مملکت پر فیض و برکت افغانستان بسایهٔ فیوضات عرفان پروری اعلیحضرت پادشاه مقدس مهربان ما در دارالسلطنهٔ محروسهٔ کابل به انتشار آغاز نهاده است». سراج الاخبار افغانیه، ش ۱، ربیع الثانی ۱۳۳۲ ق.
- ۹- از جمله: محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان ۱۳۲۸ خ، ردیف ۶۴۲.
- *Revue du Monde Musulman* I (1906), PP. 284-85
- *RMM* XXX (1915), P. 56.
- Richards Nevel, *The Politics of Afghanistan*, Cornell University 1972, P.51.
- ۱۰- انور محمد کهگه ای، «استاد و یادداشتهای تاریخی»، آریانا، ش ۳، سال ۳، به نقل از سیر ژورنالیسم در افغانستان، ص ۸.
- ۱۱- من این شماره را دیده ام و تصویری را که آورده ام از صفحهٔ نخست همان شماره است.
- ۱۲- «استاد و یادداشتهای تاریخی»، به نقل از سیر ژورنالیسم در افغانستان، ص ۸.

- ۱۳- فارس، شماره دوم، غرة رجب ۱۲۸۹ برابر با پنجم سپتامبر ۱۸۷۲ م.
- ۱۴- از جمله: سیر ژورنالیسم در افغانستان، ص ۷؛ سید جمال الدین حسینی پایه گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۴۴
- ۱۵- سرور جویا، «مطبوعات»، مجله کابل، ش ۲، سال دوم، ص ۶۷؛ «معرفی روزنامه ها و مجلات و جراید»، ص ۹۲-۹۷.
- ۱۶- در افغانستان به تقلید از هند، روزنامه را «اخبار» می نامیدند و هنوز نیز در زبان محاوره چنین است.
- ۱۷- correspondent
- ۱۸- سیر ژورنالیسم در افغانستان، ص ۱۲-۱۳.
- ۱۹- شمس النهار، ش ۱۰، پانزدهم ذیحجه ۱۲۹۰. افزون بر آنچه درباره این روزنامه ذکر کردیم، نگاه کنید به: Ebrahim V. Pourhadi, *Afghanistan's Press and Its Literary Influence 1897-1969, Afghanistan Journal*, J9. 3. HEFT, 1, 1976, P. 28.
- ۲۰- عبدالحی حبیبی، تاریخ مختصر افغانستان، انجمن تاریخ و ادب افغانستان [و] افغانستان آکادیمی، ج دوم، ۱۳۴۹ خ، ص ۱۳۲.
- ۲۱- عبدالحی حبیبی از دانشمندان به نام و پر کار افغانستان بود که آثار ارزنده ای از او در افغانستان و ایران به چاپ رسیده است. متأسفانه، وی دانش گسترده خود را در خدمت تره‌های دولتی- چه در عصر محمد زانی و چه در دوره فرمانروایی کمونیست ها بر آن کشور- و همچنین گرایشهای قبیله ای به کار می بست و هر جا که ضروری می دید، حتی از جعل تاریخی نیز برهیز نداشت. در این باره بنگرید به نجیب مایل هروی، تاریخ و زبان در افغانستان، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار بزدی، تهران ۱۳۶۲ (جلد دوم آن در همان سال منتشر شد (این دو جلد را عبدالحی حبیبی در ۱۳۴۵ نوشته و جلد نخست در ۱۳۴۶ نشر شده است: مقدمه ج ۱، ص: الف، بنا بر این، حبیبی، در فاصله ۱۳۴۵ و ۱۳۴۸ خ، سراج الاخبار افغانستان را کشف کرده است.
- ۲۲- سیر ژورنالیسم در افغانستان، ص ۲۸-۴۳.
- ۲۳- مقاله آغازین سراج الاخبار افغانیه و مشابیه آن: «باد آوری»، سراج الاخبار افغانیه، ش ۱۵، سال سوم، ربیع الثانی ۱۳۳۲) حال آن که محمود طرزی مدیر این نشریه از بستگان نزدیک دربار بود (علاوه بر نسب مشترک، دختران طرزی به همسری پسران امیر حبیب الله خان درآمدند و یکی از آن دو داماد، یعنی امان الله خان، جانشین پدر شد.
- ۲۴- سیر ژورنالیسم در افغانستان، ص ۵۴ و ۶۳.
- ۲۵- سراج الاخبار افغانیه، ش ۱۷، سال ۵، بیستم سنبله ۱۲۹۴.
- ۲۶- به برخی ساخته های حبیبی اشاره کردم. این را نیز بیفزایم که به سال ۱۳۵۹ برای گردآوری منابع تاریخ روزنامه نگاری فارسی سفری به کابل کردم که در آن هنگام در اشغال روسها و زیر حکومت دست نشانده خلقی ها قرار داشت و شادروان عبدالحی حبیبی مشاور فعال وزارت اطلاعات و کلتور بود. به دیدار او شتافتم و پرس و جوها کردم. با همه مهربانی که کرد از این که تنها نسخه سراج الاخبار افغانستان و اسناد مربوط به آن را از نزدیک بینم، طفره رفت.
- ۲۷- حبیبی به وجود آن نسخه و ضمانتش در آرشیو ملی اشاره کرده است: جنبش مشروطیت در افغانستان، کمیته دولتی طبع و نشر جمهوری دموکراتیک افغانستان، کابل ۱۳۶۳، ص ۸.
- ۲۸- عبدالحی حبیبی، راهنمای تاریخ افغانستان، انجمن تاریخ، کابل، ۱۳۴۸، ص ۸۹.
- ۲۹- جنبش مشروطیت در افغانستان، یاد شده، ص ۸.
- ۳۰- سیر ژورنالیسم در افغانستان، یاد شده، ص ۲۸.
- ۳۱- جنبش مشروطیت در افغانستان، ص ۸.
- ۳۲- سراج الاخبار افغانیه، ش ۱۷، سال ۵، بیستم سنبله ۱۲۹۴.
- ۳۳- تصویر این سند در ص ۳۴-۳۹ سیر ژورنالیسم در افغانستان، و بخشی از آن در جنبش مشروطیت در افغانستان، ص ۶ و ۷ آمده است.